

## بررسی تأثیر قدرت سهامداران بر مدیریت سود با تأکید بر

### نقش کیفیت حسابداری در شرکت‌های پذیرفته شده در

### بورس اوراق بهادار تهران

علی اکبر نونهال نهر<sup>۱</sup>، معصومه کاظمی نوجه ده<sup>۲</sup>

#### چکیده

تاریخ دریافت: ۹۴/۰۲/۰۱

تاریخ پذیرش: ۹۴/۰۵/۳۱

هدف پژوهش حاضر، بررسی تأثیر قدرت سهامداران بر مدیریت سود در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می‌باشد. همچنین در این پژوهش، تأثیر متغیر میانجی کیفیت حسابداری بر رابطه بین قدرت سهامداران و مدیریت سود مورد بررسی قرار گرفته است. بنابراین داده‌های مربوط به ۱۱۲ شرکت، برای دوره زمانی ۱۳۹۲-۱۳۸۷، با استفاده از مدل رگرسیون چند متغیره داده‌های تابلویی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. در این پژوهش، برای اندازه‌گیری مدیریت سود از مدل دجو و همکاران (۲۰۱۲) و برای اندازه‌گیری کیفیت حسابداری از شاخص تخصص حسابداری در صنعت استفاده شده است. یافته‌های پژوهش حاضر بیانگر آن است که قدرت سهامداران تأثیر منفی و معنی‌داری بر مدیریت سود دارد. علاوه بر این یافته‌ها نشان می‌دهند که کیفیت حسابداری تأثیر منفی و معنی‌داری بر رابطه بین قدرت سهامداران و مدیریت سود دارد.

واژه‌های کلیدی: قدرت سهامداران، مدیریت سود، کیفیت حسابداری

طبقه‌بندی موضوعی: M41

<sup>۱</sup> استادیار حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد بستان آباد، بستان آباد، ایران. (anonahal@gmail.com)

<sup>۲</sup> باشگاه پژوهشگران جوان و نخبگان، واحد مرند، دانشگاه آزاد اسلامی، مرند، ایران. کارشناس ارشد حسابداری، نویسنده مسئول. (kazemim45@gmail.com)

## مقدمه

در عصر پس از اترون، واژه مدیریت سود به عنوان یکی از حیاتی‌ترین مسائل در نظر گرفته شده است و توجه بیشتری را به خود جلب کرده است. هیلی و واهلن<sup>۱</sup> (۱۹۹۹) معتقدند مدیریت سود زمانی انجام می‌شود که مدیران، قضاوت و سلیقه خود را در گزارشگری مالی با هدف گمراه کردن کاربران اطلاعات مالی به کار ببرند. در این حالت، مدیران روش‌هایی در سیستم حسابداری و گزارشگری سود انتخاب می‌کنند که منعکس کننده اوضاع واقعی اقتصادی شرکت نیستند. با جدا شدن مالکیت و مدیریت در شرکت‌های سهامی عام، مدیران به عنوان نماینده سهامداران، شرکت را اداره می‌کنند. با شکل‌گیری رابطه نمایندگی، تضاد منافع بالقوه بین مدیران و سهامداران ایجاد می‌گردد که به آن مسأله یا مشکل نمایندگی گفته می‌شود. یعنی بطور بالقوه این امکان بوجود می‌آید که مدیران اقداماتی انجام دهند که در جهت منافع خود و در جهت عکس منافع سهامداران باشد. یکی از مهمترین سازوکارهای خارجی حاکمیت شرکتی، سهامداران قوی (عمده) یا قدرت سهامداران است. سهامداران قوی (عمده)، تامین کنندگان اصلی منابع شرکت می‌باشند. چنین به نظر می‌رسد که رمز موفقیت یک شرکت در گرو پاسخ‌گویی مطلوب به سهامداران آن است. اهمیت سهامداران قوی به عنوان یکی از سازوکارهای خارجی حاکمیت شرکتی تا آنجاست که این موضوع در بسیاری از قوانین حاکمیت شرکتی (از جمله گزارش کدبری (۱۹۹۲) و گزارش‌های هیگنر و اسمیت (۲۰۰۳) در بریتانیا، گزارش کمیته دی (۱۹۹۴) در کانادا، گزارش کاردون (۱۹۹۵) در بلژیک، و ... ) مورد توجه قرار گرفته و رهنمودهایی برای اعمال نظارت بیشتر توسط آنها معرفی گردیده است. بخش عمده این سازوکارها بر این موضوع تاکید دارند که اعمال نظارت‌های مناسب توسط سهامداران قوی (عمده)، رفتار فرصت طلبانه و سودجویانه مدیران را محدودتر می‌کند؛ بنابراین کیفیت و قابلیت اتکای گزارشگری مالی (به خصوص سودهای حسابداری) بهبود خواهد یافت، در نتیجه موجبات اعتماد بیشتر سرمایه‌گذاران به بازار سرمایه فراهم می‌شود (پرگولا<sup>۲</sup> و همکاران، ۲۰۰۹). از جمله این ویژگی‌ها می‌توان به تمرکز مالکیت، وجود سهامدار دارای حق کنترل بر شرکت، مالکیت دولت و مالکیت سهامداران خارجی اشاره نمود. مالکیت بلوکی یا مالکیت قسمت عمده‌ای از سهام شرکت توسط تعداد کمی از سهامداران، به عنوان مهمترین شاخص اندازه‌گیری قدرت سهامداران به شمار می‌رود. زیرا حقوق مالی و غیر مالی ناشی از در اختیار

داشتن بلوک‌هایی از سهام شرکت توسط سهامداران بلوکی موجب قدرتمند شدن و نیز انجام نظارت‌های بیشتر از سوی این نوع سهامداران می‌شود. در رابطه با تأثیر قدرت سهامداران بر مدیریت سود دو دیدگاه کاملاً متفاوت وجود دارد. هانگک<sup>۳</sup> و همکاران (۲۰۱۲) در پژوهش‌های خود اظهار کرده‌اند که قدرت سهامداران منجر به کاهش مدیریت سود در بسیاری از محیط‌ها می‌شود. اما دی<sup>۴</sup> (۱۹۸۸) اظهار می‌کند که قدرت سهامداران می‌تواند مدیریت سود را افزایش دهد. وی استدلال می‌کند که سهامداران از مدیریت سود از طریق قراردادهای کارآمدتر، اجتناب از نقض معاهده‌های بدهی و بالابردن قیمت‌ها در هنگام فروش سهام به سهامداران درجه دو بهره‌مند می‌شوند. زائو و چن<sup>۵</sup> (۲۰۰۸) دیدگاه جالبی در مورد این موضوع دارند. آنها اعتقاد دارند که مدیران ترجیح می‌دهند از دستکاری در گزارش‌گری مالی اجتناب کنند. به عبارت دیگر، فشار وارده بر مدیران به وسیله سهامداران قوی باعث می‌شود که مدیران دست به دستکاری گزارش‌های مالی بزنند و اهداف کوتاه مدت مورد نظر سهامداران را تامین کنند. پس می‌توان با توجه به نظریه‌های مطرح شده اظهار کرد که تأثیر قدرت سهامداران بر رفتار گزارش‌گری مالی مدیران مشخص و روشن نبوده و جا برای بررسی دارد. بنابراین در پژوهش حاضر، به بررسی تأثیر قدرت سهامداران بر مدیریت سود در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداخته شده است.

یکی از روش‌هایی که گاهی اوقات برای آرایش اطلاع‌رسانی وضعیت مطلوب شرکت‌ها مورد استفاده قرار می‌گیرد، مدیریت سود می‌باشد. مدیریت سود عبارت‌از فرآیند انجام اقدام‌های عمومی در محدوده اصول عمومی پذیرفته شده حسابداری که سبب رسیدن به سطح سود مورد نظر می‌شود (آلجیفری<sup>۶</sup>، ۲۰۰۷). کلاگک<sup>۷</sup> (۱۹۹۱) دو انگیزه اصلی برای مدیریت سود تشویق سرمایه‌گذاران برای خرید سهام شرکت و افزایش ارزش بازار شرکت تعریف می‌کند. نقش سنتی مکانیزم‌های حاکمیت شرکتی، سرکوب رفتار فرصت‌طلبانه مدیران برای محافظت از سهامداران شرکت است. با این حال حداقل به دو دلیل، رابطه بین سهامداران قوی (عمده) و مدیریت سود می‌تواند متفاوت از دیگر جنبه‌های حاکمیت شرکتی عمل کند. دلیل اول اینکه تأثیر سهامداران قوی (عمده) بسیار غیر مستقیم است. سهامداران قوی می‌توانند در درجه اول از طریق حق رای، دادخواهی، و تهدید به فروش سهام خود اعمال نفوذ کنند. در حالی که روش‌های دیگر مانند حسابرسان و اعضای هیئت مدیره نقش بسیار مستقیمی در گزارش‌گری

مالی دارند (تیبان<sup>۸</sup>، ۲۰۱۳). سهامداران قوی می‌توانند از طریق تهدید مدیران به اینکه اگر در جهت منافع سهامداران عمل نکنند از قدرت خود برای برکناری آنان استفاده خواهند کرد، اقدام‌های مدیران را با منافع سهامداران همسو نمایند. دوم اینکه، سهامداران قوی ممکن است به طور مستقیم از طریق افزایش در قیمت سهام، کاهش در پرداخت به دارندگان بدهی، پرداخت سود سهام، و بهبود شرایط تجاری با تامین کنندگان و مشتریان از عملکرد شرکت نفع برند. بنابراین، عملکرد گزارش شده (مدیریت شده) ممکن است به طور مستقیم سهامداران قوی را بهره‌مند سازد. دیگر جنبه‌های مربوط به حاکمیت شرکتی مانند حسابرسان و اعضای هیئت مدیره، کمتر احتمال دارد به طور مستقیم از مدیریت سود منتفع شوند. از آنجا که روش‌های نفوذ و انگیزه سهامداران قوی متفاوت از دیگر روش‌های حاکمیت شرکتی است، بنابراین نفوذ سهامداران قوی ممکن است به طور مشابه با سایر روش‌ها، مدیریت سود را محدود نسازد (برادلی<sup>۹</sup> و همکاران، ۲۰۱۳). الی<sup>۱۰</sup> و همکاران (۲۰۰۰) بیان می‌کنند که سهامداران عمده برای انجام امور خاصی بر مدیریت فشار وارد می‌کنند و یا هنگامی که کارایی شرکت تا حد معینی کاهش یابد، خواستار اخراج مدیران می‌شوند. بنابراین، مدیران در شرکت‌هایی که دارای سهامداران عمده هستند برای مدیریت کردن سود انگیزه بالایی دارند، به خصوص در شرکت‌هایی که با کاهش در کارایی مواجه هستند. دجو<sup>۱۱</sup> و همکاران (۱۹۹۶) به این نتیجه رسیدند که وجود سهامداران عمده نظارت بسیار کارآمدی ایجاد خواهد کرد. در نتیجه، مدیران قادر نخواهند بود تا از طریق نادیده گرفتن استانداردهای حسابداری به هموارسازی سود بپردازند. همچنین، آنان عقیده دارند هنگامی که سهامداران عمده وجود داشته باشند، شرکت‌ها اعمال متقربانه کمتری انجام می‌دهند. در گذشته تلاش‌های زیادی برای تعریف کیفیت حسابرسی شده است. دی آنجلو<sup>۱۲</sup> (۱۹۸۱) کیفیت حسابرسی را بصورت احتمال مشترک اینکه یک حسابرس معین، تحریف‌های بااهمیت موجود در گزارش‌های مالی را هم کشف و هم گزارش کند، تعریف می‌نماید. جنکینز<sup>۱۳</sup> و همکاران (۲۰۰۶) معتقدند حسابرسی می‌تواند یکی از راه‌های جلوگیری و کاهش مدیریت سود باشد. زیرا اعتقاد بر این است که صورت‌های مالی حسابرسی شده دارای محتوای اطلاعاتی بیشتر و سود با کیفیت بالاتری می‌باشند. اقلام تعهدی وابسته به قضاوت‌های مدیران است و حسابرسی شرکت‌هایی که اقلام تعهدی بیشتری دارند، نیز دشوارتر است. حسابرسی با کیفیت بالاتر، با احتمال بیشتری عملکردهای حسابداری مورد تردید را کشف می‌کند، زیرا مؤسسه‌های حسابرسی با کیفیت، دارای تخصص، منابع و

انگیزه‌های بیشتری برای کشف اشتباه و تقلب هستند. مطالعات پیشین، جایگزین‌های تجربی متعددی را برای اندازه‌گیری کیفیت حسابرسی ارائه می‌دهند. این مطالعات اندازه موسسه حسابرسی، تخصص حسابرس در صنعت و دوره تصدی حسابرس را در بر می‌گیرد (هومز<sup>۱۴</sup> و همکاران، ۲۰۱۳). بسیاری از معیارهای مورد استفاده در اندازه‌گیری کیفیت حسابرسی از طریق ابزارهایی همچون پرسشنامه و یا مصاحبه جمع‌آوری می‌شوند که خود بر اعتبار نتایج پژوهش تأثیر می‌گذارد. در این مقاله معیاری معرفی شده است که می‌توان با استفاده از داده‌های بورسی به اندازه‌گیری کیفیت حسابرسی پرداخت. تخصص حسابرس در صنعت معیاری از کیفیت حسابرسی است که با استفاده از دو رویکرد سهم بازار و سهم پرتفوی موسسه حسابرسی معرفی شده است. در این مقاله بر رویکرد سهم بازار تأکید می‌شود، چرا که جمع‌آوری اطلاعات مورد نیاز برای محاسبه تخصص حسابرس در صنعت با استفاده از رویکرد سهم پرتفوی موسسه حسابرسی در ایران با مشکلات فراوانی روبرو است. بدون شک، تخصص صنعت بر ماهیت تجربه و کار حسابرسی و دستیابی به مهارت تأثیر می‌گذارد و ممکن است برای متخصصان انفرادی شرایطی را فراهم کند تا بهتر مسائل و موضوعهای پیرامون خاص صنعت را شناسایی کنند و مورد توجه قرار دهند (سولومون و شیلدز<sup>۱۵</sup>، ۱۹۹۵). جری و لین<sup>۱۶</sup> (۲۰۱۰) در پژوهشی با عنوان کیفیت حسابرسی، حاکمیت شرکتی و مدیریت سود، برای اندازه‌گیری کیفیت حسابرسی از سه معیار اندازه حسابرس، تخصص صنعت حسابرس و دوره تصدی حسابرس استفاده کردند و دریافتند این معیارها دارای رابطه منفی با مدیریت سود می‌باشند. ژو و الدر<sup>۱۷</sup> (۲۰۰۳) دریافتند که ارتباطی مابین حسابرسان ۵ موسسه بزرگ حسابرسی و حسابرسان متخصص صنعت با مدیریت سود کمتر در شرکت‌های عرضه عمومی اولیه وجود دارد. به این صورت که مدیریت سود در شرکت‌هایی که توسط این ۵ موسسه حسابرسی شده‌اند و شرکت‌هایی که حسابرسان آنها متخصص صنعت است کمتر از شرکت‌های دیگر می‌باشد. نونهال نهر و همکاران (۱۳۸۹) نشان دادند که شرکت‌های حسابرسی شده بوسیله حسابرس با کیفیت بالاتر در مقایسه با شرکت‌های حسابرسی شده به وسیله حسابرس با کیفیت پایین‌تر، دارای ضریب پایداری ارقام تعهدی بیشتری بوده و در نتیجه اتکالپذیری ارقام تعهدی بالایی دارند.

## پیشینه پژوهش

کوئیب و جاربوئی<sup>۱۸</sup> (۲۰۱۴) با بررسی تأثیر کیفیت حسابداری و ساختار مالکیت بر مدیریت سود در تونس به این نتیجه رسیدند که کیفیت حسابداری تأثیر منفی و معناداری بر مدیریت سود دارد. مولیک<sup>۱۹</sup> و همکاران (۲۰۱۳) در پژوهش خود با عنوان بررسی تأثیر کیفیت حسابداری بر مدیریت سود در طول بحران مالی بین المللی با انجام تحلیل های تجربی در شرکت های استرالیا، به این نتیجه رسیدند که اگر چه شرکت های استرالیا در طول بحران مالی بین المللی، در بالاترین سطح از کاهش مدیریت سود قرار گرفتند، اما بطور کلی کیفیت حسابداری تأثیری در کاهش این رفتار نداشته است. گیجر و نورس<sup>۲۰</sup> (۲۰۱۳) به بررسی این موضوع که آیا قدرت سهامداران، مدیریت سود را کاهش می دهد پرداختند. نتایج پژوهش آنها نشان داد که در شرکت هایی که در آنها قدرت سهامداران بیشتر است، غالباً مدیران سطوح پایین تری از اقلام تعهدی اختیاری را گزارش می دهند. همچنین یافته های آنها بیانگر آن بود که داشتن سهامداران قوی، نظارت بیشتری را بر مدیران شرکت تحمیل می کند که این امر منجر به کاهش مدیریت سود می شود. برادلی و همکاران (۲۰۱۳) در پژوهشی که تأثیر قدرت سهامداران بر مدیریت سود را مورد بررسی قرار می داد نشان دادند که قدرت سهامداران، مدیریت سود صعودی را افزایش می دهد. همچنین نتایج آنها بیانگر آن بود که کیفیت حسابداری، رابطه مثبت بین قدرت سهامداران و مدیریت سود را کاهش می دهد. خواجوی و ابراهیمی میمند (۱۳۹۴) با بررسی رابطه بین کیفیت حسابداری و مدیریت سود با هدف دستیابی به آستانه های سود به این نتیجه رسیدند که بین احتمال مدیریت سود با هدف دستیابی یا پیشی گیری از سود سال قبل و اندازه موسسه حسابداری و امتیاز کنترل وضعیت و کیفیت حسابداری رابطه منفی و معناداری وجود دارد؛ اما رابطه معناداری بین کیفیت حسابداری و آستانه های اجتناب از زیان و اجتناب از سود غیرمنتظره منفی وجود ندارد. نونهال نهر و همکاران (۱۳۹۲) به ارزیابی تأثیر کیفیت حسابداری بر مدیریت سود در شرکت های تازه پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. نتایج حاصل از پژوهش آنان بیانگر این مطلب بود که مؤسسات حسابداری بزرگ تر و دوره تصدی طولانی تر حسابرس بر مدیریت سود در شرکت های تازه پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران تأثیر منفی دارند. سجادی و همکاران (۱۳۹۱) در پژوهشی به بررسی تأثیر سهامداران عمده و تغییرات سود بر فرایند هموارسازی سود در شرکت های بورسی پرداختند. آنان به این نتیجه رسیدند که اگر سود شرکت نسبت به سال قبل دچار افزایش (کاهش) شود، شرکت سود را با استفاده از

اقدام تعهدی اختیاری به پایین (بالا) هموار می‌کند و نیز نتایج آنها نشان داد که درصد (میزان) سهامداران عمده تأثیر معنی‌داری بر فرایند هموارسازی سود ندارد. آقایی و ناظمی اردکانی (۱۳۹۱) در پژوهشی به بررسی تخصص حسابرس در صنعت و مدیریت اقلام تعهدی اختیاری پرداختند. نتایج این بررسی نشان داد شرکت‌هایی که حسابرس آنها، متخصص صنعت است دارای سطح مدیریت اقلام تعهدی اختیاری پایین‌تر می‌باشند.

### فرضیه‌های پژوهش

در راستای دستیابی به هدف‌های پژوهش و با توجه به مبانی نظری و پیشینه پژوهش مطرح شده، فرضیه‌هایی به شرح زیر تدوین شده است:

۱) قدرت سهامداران بر مدیریت سود در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران تأثیر دارد.

۲) کیفیت حسابرسی بر رابطه بین قدرت سهامداران و مدیریت سود در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران تأثیر دارد.

### روش شناسی پژوهش

نمونه آماری پژوهش حاضر از شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران است. این نمونه شامل شرکت‌هایی است که از شرایط زیر برخوردار باشند:

۱- تاریخ پایان سال مالی آنها ۱۲/۲۹ بوده و از ابتدای دوره پژوهش تا انتهای آن، سال مالی خود را تغییر نداده باشند.

۲- از ابتدای دوره پژوهش تا پایان آن در بورس حضور داشته و از آن حذف نشده باشند.

۳- دارای وقفه‌های معاملاتی بیش از سه ماه متوالی نباشند.

۴- کلیه داده‌های مورد نیاز پژوهش از آنها قابل دسترسی باشند.

۵- جزء شرکت‌های سرمایه‌گذاری، هلدینگ، بیمه و بانکها نباشند.

با توجه به مجموعه شرایط فوق، تنها ۱۱۲ شرکت (شامل ۶۷۲ مشاهده) در دوره زمانی ۱۳۸۷ الی ۱۳۹۲ شرایط فوق را دارا بوده و به عنوان نمونه آماری انتخاب شدند. در پژوهش حاضر

برای گردآوری اطلاعات در خصوص تبیین ادبیات موضوع پژوهش، از روش کتابخانه‌ای استفاده شده و به منظور دستیابی به اطلاعات مورد نیاز جهت پردازش فرضیه‌های پژوهش، از اطلاعات موجود در نرم افزار شرکت ره آورد نوین و بررسی صورت‌های مالی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران با مراجعه به سایت رسمی بورس اوراق بهادار تهران استفاده شده است. در این مرحله، پس از جمع‌آوری داده‌های آماری، برای جمع‌بندی و محاسبات مورد نیاز از نرم افزار Excel استفاده شده است و نتایج آن، در نرم افزار آماری Eviews8 وارد شده و فرضیه‌های پژوهش مورد تجزیه و تحلیل نهایی قرار گرفته است. این پژوهش بر اساس هدف، از نوع کاربردی و از لحاظ گردآوری اطلاعات از نوع علی-پس رویدادی می‌باشد.

### مدل و متغیرهای پژوهش و نحوه اندازه‌گیری آن

متغیر مستقل پژوهش حاضر، قدرت سهامداران می‌باشد که با استفاده از درصد سهام در دست دارندگان بلوکهای سهام یعنی درصد مالکیت بلوکی تعریف می‌شود و درصد مالکیت بلوکی برابر است با مجموع درصد سهام در اختیار سه سهامدار عمده (رضایی و افشار، ۱۳۹۲). بعد از اینکه مجموع درصدهای مربوطه از قسمت سرمایه (درصد سهام در اختیار سهامداران عمده در تاریخ ترازنامه) موجود در یادداشتهای توضیحی صورت‌های مالی شرکت‌ها جمع‌آوری گردید، وارد نرم افزار اکسل گردیده و از آنها میانه‌گیری به عمل آمد. در صورتیکه درصد سهام در اختیار سهامداران بلوکی بالاتر از میانه بود، مقدار این متغیر برابر یک و در صورتیکه پایین‌تر از میانه بود، مقدار این متغیر برابر صفر گردید.

متغیر وابسته پژوهش حاضر، مدیریت سود می‌باشد. در این پژوهش منظور از مدیریت سود، مدیریت اقلام تعهدی اختیاری می‌باشد که بر اساس مدل (۱) ارائه شده توسط دچو و همکاران (۲۰۱۲) اندازه‌گیری شده است (برادلی و همکاران، ۲۰۱۳).

مدل (۱)

$$CACC_{i,q} = \beta_0 + \beta_1 Meet/SBeat_{i,q} + \beta_2 RevQ1_{i,q} + \beta_3 RevQ2_{i,q} + \beta_4 RevQ3_{i,q} + \beta_5 RevQ4_{i,q} + \beta_6 Sales_{i,q} + \beta_7 PPE_{i,q} + \beta_8 ROA_{i,q}$$

$i, q$



## بررسی تأثیر قدرت سهامداران بر مدیریت سود با...

که در آن:

$CACC_{i,q}$ : اقلام تعهدی جاری سه ماهه، که توسط فرمول زیر اندازه گیری می شود (برادلی و همکاران، ۲۰۱۳):

$$CACC_{i,q} = \frac{IBQ_{i,q} - OCF_{i,q} + DPX_{i,q}}{TA_{i,q-1}}$$

$IBQ_{i,q}$ : سود قبل از اقلام غیر مترقبه سه ماهه می باشد.

$OCF_{i,q}$ : جریان نقدی عملیاتی سه ماهه می باشد.

$DPX_{i,q}$ : استهلاک سه ماهه می باشد.

$TA_{i,q-1}$ : کل دارایی های ابتدای سه ماهه می باشد.

$Meet/SBeat_{i,q}$ : سه ماهه ای است که در آن، شرکت مشکوک به داشتن اقلام تعهدی مدیریت شده است. این متغیر با استفاده از درصد تغییرات سود هر سهم (EPS) سه ماهه اندازه گیری می شود. یعنی اگر درصد تغییرات EPS برای سه ماهه ای ۰ تا ۰/۰۵ باشد، در آن صورت مقدار این متغیر برابر یک و در غیر این صورت برابر صفر خواهد بود (برادلی و همکاران، ۲۰۱۳).

$RevQ$ : سه ماهه هایی هستند که احتمال زیادی می رود که برگشت اقلام تعهدی در آنها اتفاق بیفتد. زمانیکه  $Meet/SBeat_{i,q}$  سه ماهه ای برابر یک شود، در آن صورت  $RevQ$  سه ماهه ای بعد از آن سه ماهه، به شرطی که در همان سال مالی قرار بگیرند، برابر یک و در صورتیکه به سال مالی بعد بیفتند، برابر صفر خواهد بود (برادلی و همکاران، ۲۰۱۳).

$Sales_{i,q}$ : تغییرات سه ماهه درآمد فروش می باشد و با استفاده از فرمول زیر اندازه گیری می شود (برادلی و همکاران، ۲۰۱۳).

$$Sales_{i,q} = \frac{\text{فروش سه ماهه قبل} - \text{فروش سه ماهه جاری}}{\text{فروش سه ماهه قبل}}$$

$PPE_{i,q}$ : اموال، ماشین آلات و تجهیزات ابتدای سه ماهه تقسیم بر کل داراییهای ابتدای سه ماهه (برادلی و همکاران، ۲۰۱۳).

$ROA_{i,q}$ : نرخ بازده دارایی‌های سه ماهه می‌باشد که برابر است با سود قبل از اقلام غیر مترقبه سه ماهه تقسیم بر کل داراییهای ابتدای سه ماهه (برادلی و همکاران، ۲۰۱۳).

متغیر میانجی پژوهش حاضر، کیفیت حسابرسی می‌باشد. در این پژوهش، برای اندازه‌گیری کیفیت حسابرسی، از شاخص تخصص حسابرس در صنعت استفاده می‌شود. همچنین از رویکرد سهم بازار برای تعیین حسابرس متخصص صنعت استفاده شده است. به این معنی که هر چه سهم بازار حسابرس بیشتر باشد، تخصص حسابرس در آن صنعت و تجربه او نسبت به سایر رقبا بالاتر است. سهم بازار حسابرسان نیز بصورت زیر محاسبه می‌شود:

$$\text{سهم بازار حسابرسان} = \frac{\text{مجموع داراییهای تمام صاحبکاران یک موسسه حسابرسی خاص در یک صنعت خاص}}{\text{مجموع داراییهای صاحبکاران در این صنعت}}$$

در این پژوهش با پیروی از پالم رز (۱۹۸۶)، موسساتی بعنوان متخصص در صنعت در نظر گرفته می‌شوند که سهم بازارشان (یعنی معادله فوق) بیش از  $\left(\frac{1}{2} * \frac{1}{\text{شرکت‌های موجود در یک صنعت}}\right)$  باشد. در صورتیکه حسابرس متخصص صنعت باشد، کیفیت حسابرسی برابر با یک و در غیر اینصورت برابر با صفر خواهد بود.

برای آزمون فرضیه اول پژوهش حاضر، از مدل (۲) ارائه شده توسط دجو و همکاران (۲۰۱۲) استفاده شده است (برادلی و همکاران، ۲۰۱۳).

مدل (۲)

$$\begin{aligned} CACC_{i,q} = & \alpha_0 + \alpha_1 Strong_{i,q} + \alpha_2 Meet/SBeat_{i,q} + \alpha_3 RevQ1_{i,q} + \\ & \alpha_4 RevQ2_{i,q} + \alpha_5 RevQ3_{i,q} + \alpha_6 RevQ4_{i,q} + \\ & \alpha_7 Meet/SBeat_{i,q} * Strong_{i,q} + \alpha_8 RevQ1_{i,q} * Strong_{i,q} + \\ & \alpha_9 RevQ2_{i,q} * Strong_{i,q} + \alpha_{10} RevQ3_{i,q} * Strong_{i,q} + \\ & \alpha_{11} RevQ4_{i,q} * Strong_{i,q} + \epsilon_{i,q} \end{aligned}$$

برای آزمون فرضیه دوم این پژوهش، از مدل (۳) ارائه شده توسط دجو و همکاران (۲۰۱۲) استفاده شده است (برادلی و همکاران، ۲۰۱۳).

$$\begin{aligned}
 CACC_{i,q} = & 0 + 1Strong_{i,q} + 2HAQ_{i,q} + 3Strong_{i,q} * HAQ_{i,q} \\
 & + 1Meet/SBeat_{i,q} + 2RevQ1_{i,q} + 3RevQ2_{i,q} + 4RevQ3_{i,q} + \\
 & 5RevQ4_{i,q} + 6Meet/SBeat_{i,q} * Strong_{i,q} + 7RevQ1_{i,q} * Strong_{i,q} \\
 & + 8RevQ2_{i,q} * Strong_{i,q} + 9RevQ3_{i,q} * Strong_{i,q} + \\
 & 10RevQ4_{i,q} * Strong_{i,q} + 11Meet/SBeat_{i,q} * HAQ_{i,q} + \quad \text{مدل (۳)} \\
 & 12RevQ1_{i,q} * HAQ_{i,q} + 13RevQ2_{i,q} * HAQ_{i,q} + 14RevQ3_{i,q} * \\
 & HAQ_{i,q} + 15RevQ4_{i,q} * HAQ_{i,q} + \\
 & 16Meet/SBeat_{i,q} * Strong_{i,q} * HAQ_{i,q} + \\
 & 17RevQ1_{i,q} * Strong_{i,q} * HAQ_{i,q} + 18RevQ2_{i,q} * Strong_{i,q} * HAQ_{i,q} \\
 & + 19RevQ3_{i,q} * Strong_{i,q} * HAQ_{i,q} + \\
 & 20RevQ4_{i,q} * Strong_{i,q} * HAQ_{i,q} + i,q
 \end{aligned}$$

### یافته‌های پژوهش

نگاره (۱)، بیانگر آمار توصیفی متغیر وابسته پژوهش حاضر می‌باشد. در این جدول، ستون دوم تعداد مشاهده‌ها را نشان می‌دهد که تعداد تمامی مشاهده‌ها در طول ۶ سال برابر با ۶۷۲ می‌باشد. در ستون سوم و چهارم به ترتیب کمترین و بیشترین مقدار متغیر وابسته نشان داده شده است. همانطور که مشاهده می‌شود، کمترین مقدار برای متغیر وابسته برابر با ۰.۳۶۳۰ - و بیشترین مقدار برای آن ۰.۴۰۰ / می‌باشد. ستون چهارم نشان دهنده میانگین است. طبق این نگاره میانگین متغیر وابسته برابر با ۰.۲۷۵ / - است. ستون آخر نیز بیانگر انحراف معیار است که در اینجا انحراف معیار متغیر وابسته برابر با ۰.۱۷۳۸ / است.

نگاره (۱): آمار توصیفی متغیر وابسته پژوهش

انحراف معیار	میانگین	بیشترین	کمترین	تعداد
۰.۱۷۳۸	- ۰.۲۷۵	۰.۴۰۰	- ۰.۳۶۳۰	۶۷۲

همچنین در این پژوهش برای متغیرهای کیفی، توزیع فراوانی محاسبه شده است که بشرح نگاره‌های (۲) و (۳) می‌باشد. با توجه به جدول (۲)، تعداد شرکت‌های دارای سهامداران قوی برابر با ۳۳۶ شرکت است که معادل ۵۰٪ می‌باشد.

نگاره (۲): توزیع فراوانی متغیر قدرت سهامداران

		فراوانی	درصد	درصد معتبر	درصد تجمعی
مقدار	۰	۳۳۶	۵۰	۵۰	۵۰
	۱	۳۳۶	۵۰	۵۰	۱۰۰
	جمع	۶۷۲	۱۰۰	۱۰۰	

با توجه به نگاره (۳)، تعداد شرکت‌های دارای کیفیت حسابداری بالا برابر با ۴۲۸ است که معادل ۶۳٪ می‌باشد.

نگاره (۳): توزیع فراوانی متغیر کیفیت حسابداری

		فراوانی	درصد	درصد معتبر	درصد تجمعی
مقدار	۰	۲۴۴	۳/۳۶	۳/۳۶	۳/۳۶
	۱	۴۲۸	۷/۶۳	۷/۶۳	۱۰۰
	جمع	۶۷۲	۱۰۰	۱۰۰	

نتیجه آزمون جاکو برای متغیر وابسته پژوهش در نگاره (۴) ارائه شده است. براساس مقادیر ارائه شده در این جدول، از آنجاییکه مقدار سطح معناداری متغیر وابسته پژوهش حاضر از سطح ۵٪ بیشتر است، بنابراین فرض صفر یعنی نرمال بودن متغیر وابسته تایید می‌شود.

نگاره (۴): آزمون نرمال بودن برای متغیر وابسته پژوهش

متغیرهای پژوهش	مقدار آماره	سطح معنی داری (Sig)
اقدام تعهدی اختیاری	۱/۲۱	.۵۴۴

نتایج آزمون F لیمر (چاو) و آزمون هاسمن برای فرضیه‌های پژوهش در نگاره (۵) ارائه شده است:

نگاره (۵): نتایج آزمون F لیمر (چاو) و آزمون هاسمن

فرضیه‌های پژوهش	آزمون F لیمر (چاو)		آزمون هاسمن		روش اثرات
	F	p-value	F	p-value	
فرضیه اول	۲/۷۰	.۰۰۰	۱۶/۲	.۰۰۱	ثابت
فرضیه دوم	۱/۸۰	.۰۰۰	۱۵/۵	.۰۰۱	ثابت

## بررسی تأثیر قدرت سهامداران بر مدیریت سود با...

یافته‌های حاصل از آزمون فرضیه اول پژوهش حاضر در نگاره (۶) ارائه شده است. در این نگاره، مقدار ضریب تعیین تعدیل شده برابر با ۲۳٪ است که بیانگر این است که متغیر وابسته ۲۳٪ به متغیرهای موجود در مدل وابسته است و ۷۷٪ آن مربوط به سایر متغیرهایی می‌باشد که در مدل در نظر گرفته نشده‌اند. همچنین مقدار آماره دوربین-واتسون بین ۱/۵ الی ۲/۵ می‌باشد و بیانگر عدم وجود خودهمبستگی می‌باشد. در این نگاره، قدرت سهامداران دارای تأثیر منفی و معنی داری بر مدیریت سود می‌باشد. بنابراین فرضیه پژوهش مورد پذیرش واقع می‌شود و می‌توان گفت که قدرت سهامداران بر مدیریت سود تأثیر دارد.

**نگاره (۶): برآورد مدل فرضیه اول پژوهش**

نوع رابطه	سطح معنی داری	آماره t	ضرایب استاندارد نشده		مدل
			Std. Error	B	
-----	./۲۷۱۲	۱/۱۰	./۰۳۱۴	./۰۳۴۶	عرض از مبدا (Constant)
معکوس	./۰۸۸	-۱/۷۰	./۰۵۳۲	-./۰۹۰۹	Strong
مستقیم	./۰۲۷	-۲/۲۱	./۰۳۸۴	./۰۸۵۳	Meet/SBeat
معکوس	./۰۱۱	-۲/۵۲	./۰۴۹۷	-./۱۲۵۷	RevQ1
مستقیم	./۰۶۱	۱/۸۷	./۰۲۲۱	./۰۴۱۴	RevQ2
*	./۵۶۵	./۵۷۴	./۰۲۴۶	./۰۱۴۱	RevQ3
*	./۱۴۶	۱/۴۵	./۰۳۰۷	./۰۴۴۷	RevQ4
مستقیم	./۰۰۱	۳/۲۴	./۰۶۴۳	./۲۰۸۶	Meet/SBeat*Strong
مستقیم	./۰۱۲۳	۲/۵۱	./۰۷۸۸	./۱۹۷۹	RevQ1*Strong
*	./۸۱۶	./۲۳۲	./۰۳۲۱	./۰۰۷۴	RevQ2*Strong
*	./۵۲۱	-./۶۴۱	./۰۳۴۳	./۰۲۲۰	RevQ3*Strong
مستقیم	./۰۱۱	-۲/۵۵	./۰۴۴۱	./۱۱۲۷	RevQ4*Strong
				$R^2$ تعدیل شده	
				دوربین-واتسون	
		./۲۳۵			
		۲/۱۳			

در مدل مربوط به آزمون فرضیه اول پژوهش یعنی مدل (۲)، ضرایب تا اجازه می‌دهند که مدیریت سود، وقتی قدرت سهامداران برابر با صفر است مورد آزمون قرار گیرد. شرایط مدیریت سود صعودی وقتی صدق می‌کند که منهای حاصل جمع الی بزرگتر از صفر

باشد و گرنه مدیریت سود نزولی است. ضرایب  $\beta_1$  الی  $\beta_5$  برای آزمایش اختلاف مدیریت سود وقتی که قدرت سهامداران برابر با ۰ و یا ۱ است مورد استفاده قرار می‌گیرد. اگر قدرت سهامداران مدیریت سود صعودی را افزایش دهد، در آن صورت منهای حاصل جمع  $\beta_1$  الی  $\beta_5$  بزرگتر از صفر خواهد بود. اما اگر اگر قدرت سهامداران مدیریت سود صعودی را کاهش دهد، در آن صورت منهای حاصل جمع  $\beta_1$  الی  $\beta_5$  کوچکتر از صفر خواهد بود. با استفاده از ضرایب بتای بدست آمده در نگاره (۶)، نتایج پژوهش حاضر نشان می‌دهد که:

$$\beta_5 + \beta_4 + \beta_3 + \beta_2 (-\beta_1) = 0/11$$

چون حاصل عبارت بالا بعد از جایگذاری مقادیر بتاها بزرگتر از صفر آمده است، پس مدیریت سود از نوع صعودی می‌باشد.

$$(\beta_{10} + \beta_9 + \beta_8 + \beta_7) - \beta_6 = -0/13$$

چون حاصل عبارت بالا بعد از جایگذاری مقادیر بتاها کوچکتر از صفر آمده است پس قدرت سهامداران، مدیریت سود صعودی را کاهش می‌دهد.

یافته‌های حاصل از آزمون فرضیه دوم پژوهش حاضر در نگاره (۷) ارائه شده است. در این نگاره، مقدار رابطه متقابل قدرت سهامداران و کیفیت حسابرسی معنی‌دار است. بنابراین فرضیه پژوهش مورد پذیرش واقع می‌شود و می‌توان گفت که کیفیت حسابرسی تاثیر منفی و معنی‌داری بر رابطه بین قدرت سهامداران و مدیریت سود دارد.

بررسی تأثیر قدرت سهامداران بر مدیریت سود با...

نگاره (۷): برآورد مدل فرضیه دوم پژوهش

نوع رابطه	سطح معنی داری	آماره t	ضرایب استاندارد نشده		مدل
			Std. Error	B	
*	.۸۱۱	-۰.۲۳۸	.۲۱۷	-۰.۰۵۱	عرض از مبدا (Constant)
*	.۸۸۸	.۱۴۰	.۲۸۷	-۰.۰۴۰	Strong
معکوس	.۰۷۵	۱/۷۸	.۲۵۱	-۰.۴۴۷	AQ
معکوس	.۰۹۶	-۱/۶۶	.۳۳۸	-۰.۵۶۳	Strong* AQ
*	.۶۲۲	-۰.۴۹۲	.۲۴۳	.۱۱۹	Meet/SBeat
*	.۸۱۲	-۰.۲۳۷	.۲۸۶	-۰.۰۶۸	RevQ1
*	.۸۹۹	-۰.۱۲۶	.۱۳۹	-۰.۰۱۷	RevQ2
*	.۳۷۶	-۰.۸۸۵	.۱۴۷	-۰.۱۳۰	RevQ3
مستقیم	.۰۸۴	۱/۷۲	.۱۳۳	.۲۳۰	RevQ4
*	.۵۷۷	.۵۵۷	.۳۱۹	-۰.۱۷۸	Meet/ SBeat*Strong
*	.۶۴۷	.۴۵۷	.۳۷۴	.۱۷۱	RevQ1*Strong
*	.۸۷۶	.۱۵۵	.۱۸۴	.۰۲۸	RevQ2*Strong
*	.۴۱۱	.۸۲۱	.۱۸۸	.۱۵۴	RevQ3*Strong
معکوس	.۰۸۹	-۱/۶۹	.۱۷۰	-۰.۲۸۹	RevQ4*Strong
*	.۲۹۸	-۱/۰۴	.۲۸۰	-۰.۲۹۲	Meet/ SBeat* AQ
*	.۱۹۶	-۱/۲۹	.۳۵۲	-۰.۴۵۵	RevQ1* AQ
*	.۲۵۷	۱/۱۳	.۱۶۹	.۱۹۲	RevQ2* AQ
مستقیم	.۰۷۷	۱/۷۷	.۱۷۴	.۳۰۹	RevQ3* AQ
معکوس	.۰۵۵	-۱/۹۱	.۱۶۱	-۰.۳۰۹	RevQ4* AQ
*	.۳۶۱	.۹۱۳	.۳۸۰	.۳۴۷	Meet/ SBeat*Strong* AQ
*	.۴۴۱	.۷۷۰	.۴۷۷	.۳۶۷	RevQ1*Strong* AQ
*	.۴۳۵	-۰.۷۸۰	.۲۲۷	.۱۷۷	RevQ2*Strong* AQ
معکوس	.۰۹۵	-۱/۶۷	.۲۲۵	-۰.۳۷۷	RevQ3*Strong* AQ
مستقیم	.۰۶۰	۱/۸۷	.۲۰۸	.۳۹۱	RevQ4*Strong* AQ
.۲۶۷					$R^2$ تعدیل شده
۲/۱۳					دوربین واتسون

### نتیجه‌گیری و پیشنهادها

فرضیه اول پژوهش حاضر بیان می‌کند که قدرت سهامداران بر مدیریت سود تأثیر دارد. نتایج حاصل از آزمون این فرضیه نشان داد که قدرت سهامداران، تأثیر منفی و معنی‌داری بر مدیریت سود دارد. همچنین با آزمون ضرایب بتا مشخص شد که قدرت سهامداران باعث کاهش مدیریت سود صعودی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران شده است. نتایج پژوهش گیجر و نورس (۲۰۱۳) نشان داد که در شرکت‌هایی که در آنها قدرت سهامداران بیشتر است، غالباً مدیران سطوح پایین‌تری از اقلام تعهدی اختیاری را گزارش می‌دهند. همچنین یافته‌های آنها بیانگر آن بود که داشتن سهامداران قوی، نظارت بیشتری را بر مدیران شرکت تحمیل می‌کند که این امر منجر به کاهش مدیریت سود می‌شود. در تحلیل نتایج فرضیه اول پژوهش حاضر می‌توان گفت که سهامداران عمده (بلوکی) به عنوان مهمترین سازوکار حاکمیت شرکتی، با نظارت بر مدیران شرکت، برای آنها در دستکاری اقلام تعهدی اختیاری محدودیت ایجاد می‌کنند و موجب کاهش مدیریت سود توسط مدیران می‌شوند. یافته‌های این فرضیه با نتایج گیجر و نورس (۲۰۱۳) مطابقت دارد ولی با نتایج برادلی و همکاران (۲۰۱۳) و سجادی و همکاران (۱۳۹۱) همسو نیست. فرضیه دوم پژوهش حاضر بیان می‌کند که کیفیت حسابرسی بر رابطه بین قدرت سهامداران و مدیریت سود تأثیر دارد. آقای و ناظمی اردکانی (۱۳۹۱) نشان دادند که تخصص حسابرس در صنعت موجب ارتقای کیفیت حسابرسی می‌گردد. بطوریکه حسابرسانی که دارای دانش و امکانات لازم در یک صنعت خاص (بعبارت دیگر متخصص) می‌باشند، می‌توانند مدیریت را از دستیابی به مدیریت سود از طریق اقلام تعهدی اختیاری باز دارند. نتایج حاصل از آزمون فرضیه دوم پژوهش حاضر نشان می‌دهد که کیفیت حسابرسی تأثیر منفی و معنی‌داری بر رابطه بین قدرت سهامداران و مدیریت سود دارد. به عبارت دیگر، کیفیت حسابرسی بالا، رابطه منفی بین قدرت سهامداران و مدیریت سود را تشدید می‌کند. در تحلیل نتایج فرضیه دوم پژوهش حاضر می‌توان اظهار کرد که حسابرسان متخصص صنعت دارای کیفیت حسابرسی بالایی می‌باشند. بنابراین توانسته‌اند برای مدیران شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در دستکاری اقلام تعهدی اختیاری محدودیت ایجاد نمایند. بنابراین مدیریت سود را در این شرکت‌ها کاهش داده‌اند. یافته‌های این فرضیه با نتایج کوئیب و جاربوئی (۲۰۱۴)، برادلی و همکاران (۲۰۱۳)، خواجه‌وی و ابراهیمی میمند (۱۳۹۴)، نونهال نهر و همکاران (۱۳۹۲) و آقای و ناظمی اردکانی (۱۳۹۱) مطابقت دارد.



و در تضاد با یافته‌های مولیک و همکاران (۲۰۱۳) می‌باشد. با توجه به اینکه قدرت سهامداران، مدیریت سود را کاهش داده است، به سرمایه‌گذاران پیشنهاد می‌شود، در هنگام استفاده از صورت‌های مالی جهت اتخاذ تصمیم‌های سرمایه‌گذاری، به قسمت ترکیب سهامداران در یادداشتهای همراه صورت‌های مالی توجه داشته باشند و شرکت‌هایی را در اولویت قرار دهند که قسمت عمده‌ای از سهام آنها در اختیار سهامداران بلوکی باشد. با توجه به تأثیرگذاری تخصص حسابرس بر مدیریت سود شرکت‌ها، پیشنهاد می‌شود که استفاده‌کنندگان صورت‌های مالی هنگام تجزیه و تحلیل شرکت‌های حسابرسی شده، به تخصص حسابرس آنها توجه داشته باشند. حسابرسان متخصص صنعت نیز باید به این واقعیت آگاه باشند که توانایی آنها برای محدود کردن مدیریت ارقام تعهدی به طور غیرمستقیم، صاحبکاران را مجبور می‌کند تا در بلندمدت تصمیمات عملیاتی بگیرند که از تصمیمات بهینه منحرف شود. پیشنهاد می‌شود حسابرسان متخصص با مدیران ارتباط بیشتری برقرار کنند. پیشنهاد می‌گردد در پژوهش‌های آتی برای اندازه‌گیری مدیریت سود از مدل دیگری به غیر از مدل دچو و همکاران (۲۰۱۲) و برای اندازه‌گیری کیفیت حسابرسی از معیارهای دیگری به غیر از تخصص حسابرس در صنعت مثل دوره تصدی حسابرس و اندازه موسسه حسابرسی استفاده نمایند. از محدودیت‌های پژوهش حاضر می‌توان به نبود پایگاه داده جامع جهت جمع‌آوری داده‌های مورد نیاز پژوهش اشاره کرد. عامل تورم نیز به عنوان یک عامل مداخله‌گر می‌تواند نتایج پژوهش را تحت تأثیر قرار دهد که کنترل آن توسط پژوهشگر امکان‌پذیر نمی‌باشد. این موضوع یکی از تنگناهای موجود در اجرای پژوهش‌های متکی به بازار سرمایه از جمله پژوهش حاضر است.

## پی نوشت

- |    |                |    |                   |
|----|----------------|----|-------------------|
| ۱  | Healy & Wahlen | ۱۲ | DeAngelo          |
| ۲  | Pergola        | ۱۳ | Jenkins           |
| ۳  | Huang          | ۱۴ | Houmes            |
| ۴  | Dye            | ۱۵ | Solomon & Shields |
| ۵  | Zhao & Chen    | ۱۶ | Jerry & Lin       |
| ۶  | Aljifri        | ۱۷ | Zhou & Elder      |
| ۷  | Kellog         | ۱۸ | Kouaib & Jarboui  |
| ۸  | Tian           | ۱۹ | Mollik            |
| ۹  | Bradley        | ۲۰ | Geiger & North    |
| ۱۰ | Ely            | ۲۱ | Palmrose          |
| ۱۱ | Dechow         |    |                   |

## منابع

- آقایی، محمد علی و ناظمی اردکانی، مهدی. (۱۳۹۱). تخصص حسابرسان در صنعت و مدیریت اقلام تعهدی اختیاری. *مجله دانش حسابرسی*، شماره ۴۶، صص ۱۷-۴.
- خواجهی، شکراله و ابراهیمی میمند، مهدی. (۱۳۹۴). رابطه بین کیفیت حسابرسی و مدیریت سود با هدف دستیابی به آستانه های سود. *فصلنامه دانش حسابداری*، شماره ۲۲، صص ۵۶-۲۹.
- رضایی، فرزین و افشار، مصطفی. (۱۳۹۲). رابطه سازوکارهای نظام راهبری و رتبه نظام راهبری با هزینه سهام عادی شرکت ها. *فصلنامه علمی پژوهشی حسابداری مدیریت*، شماره ۱۹، صص ۴۱-۲۷.
- سجادی، سیدحسن. فرازمنند، حسن و جعفری پور، میثم. (۱۳۹۱). تأثیر سهامداران عمده و تغییرات سود بر فرآیند هموارسازی سود در شرکت های بورسی. *فصلنامه بورس اوراق بهادار*، شماره ۲۰، صص ۸۴-۶۵.
- نونهال نهر، علی اکبر. علی نژاد سارو کلاتی، مهدی و خضری، پریسا. (۱۳۹۲). ارزیابی تاثیر کیفیت حسابرسان بر مدیریت سود در شرکت های تازه پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. *فصلنامه علمی پژوهشی دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت*، شماره هفتم.
- نونهال نهر، علی اکبر. جبارزاده کنگرلویی، سعید و پورکریم، یعقوب. (۱۳۸۹). رابطه بین کیفیت حسابرسان و قابلیت اتکای اقلام تعهدی. *بررسی های حسابداری و حسابرسی*، شماره ۶۱، صص ۷۰-۵۵.

Aljifri, K. (2007). Measurement and Motivations of Earnings Management: A Critical Perspective. *Journal of Accounting Business & Management*, 14, 75-95.

- Bradley, E. L. , Gregory, W. M. & Wayne, B. T. (2013). The influence of Strong Shareholders on Earning Management, 1-40.
- DeAngelo, H. , & Rice, E. M. (1981). Antitakeover charter amendments and stockholder wealth. *Journal of Financial Economics*, 11, 329-360.
- Dechow, M. P. , R. G. Sloan, and A. P. Sweeney. (1996). Causes and Consequences of Earnings Manipulation: An Analysis of Firms Subject to Enforcement Actions by the SEC. *Contemporary Accounting Research*, 1-36.
- Dye, R. (1988). Earnings Management in an Overlapping Generations Model. *Journal of Accounting Research*, 26, 195-235.
- Ely, D. P. , and M. H. Song. (2000). Acquisition Activity of Large Depository institutions in the 1990s an Empirical Analysis of Motives. *Quarterly Review of Economics and Finance*, 467-484.
- Geiger, M. A. , & North, D. S. (2013). Do strong shareholders mitigate earning management? *Journal of Accounting, Ethics & Public Policy*, 14 (2) , 289-322.
- Healy, P. , & Wahlen, J. (1999). A review of the earnings management literature and its implication for standard setting. *Accounting Horizons*, 13 (4) , 83-365.
- Houmes, R. , Foley, M. , & Richard, J. (2013). Audit quality and overvalued equity. *Accounting Research Journal*, 26 (1) , 56-74.
- Huang, H. , Wang, W. , & Zhou, J. ) 2012 (. Shareholder Rights, Insider Ownership and Earnings Management. *Abacus* 49 (1) , 46-73.
- Jenkins, D. S. , Kane G. D. and Velury, U. (2006). Earnings quality decline and the effect of industry specialist auditors: An analysis of the late 1990s. *Journal of Accounting and public policy*, Vol. 25, 71-90.
- Jerry, w. Lin, M. (2010). Audit quality, corporate Governance, and earnings management. *International Journal of Auditing*, 14 (1) , 57-77.
- Kellog, L. B. (1991). *Fraud Window Dressing and Negligence in Financial Statement*. Colorado: Mc Grow Hill.
- Kouaib, A. and Jarboui, A. (2014). External audit quality and ownership structure: interaction and impact on earnings management of industrial and commercial Tunisian sectors. *Journal of Economics, Finance and Administrative Science*, 78° 89.
- Mollik, A. T. , Mir Monir, M. R. , & Bepari, M. K. (2013). Effects of audit quality on earnings management during the global financial Crisis: An empirical analysis of Australian companies. *Proceedings of 9th Asian Business Research Conference*, 1-27.
- Palmrose, Z. V. (1986). Audit Fees and Auditor Size: Further Evidence. *Journal of Accounting Research*, 24, 97-110.
- Pergola, T. , Joseph, G. and Jenzarli, A. (2009). Effects of Corporate Governance and Board Equity Ownership on Earnings Quality. *Academy of Accounting and Financial Studies Journal*, 13 (4) , 87-114.
- Solomon, I. , & Shields, M. D. (1995). Judgment and Decision Research in Auditing. *Judgment and Decision Making Research in Accounting and Auditing*, Eds. , A. H. Ashton and R. H. Ashton, New York: Cambridge University Press, 137-75.
- Tian, J. ) 2013 (. Board Monitoring and Endogenous Information Asymmetry. *Contemporary Accounting Research*, forthcoming.

Zhao, Y. , & Chen, K. H. (2008). Staggered Boards and Earnings Management. *The Accounting Review*, 83 (5) , 1347-1381.

Zhou, J. Elder, R. (2003). Audit firm size, Industry specialization and earnings management by initial public offering firms. working paper.

